

تفسیر احمد

سورہء لیل



۱۳۹۴

ترجمہ و تفسیر سورہ لیل
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مہتمم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

سوره لیل

سوره لیل

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 21 آیه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (1) وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (2) وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى (3) إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى (4) فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى (5) وَ صَدَقَ بِالْحُسْنَى (6) فَسَنِيَرُهُ لِلْيُسْرَى (7) وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى (8) وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى (9) فَسَنِيَرُهُ لِلْعُسْرَى (10) وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (11) إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (12) وَ إِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولَى (13) فَأَنْذَرْتَكُمْ نَاراً تَلْقَى (14) لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى (15) الَّذِي كَذَّبَ وَ تَوَلَّى (16) وَ سَيَجْزِيهَا الْأُنْفَى (17) الَّذِي يُوْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (18) وَ مَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (19) إِلَّا ابْتِغَاءً وَجْهَ رَبِّهِ الْأَعْلَى (20) وَ لَسَوْفَ يَرْضَى (21)

معلومات موجز :

« سوره لیل » از جمله سوره های مکی بوده ، ودرای (1) رکوع ، و(21) بیست ویک آیت ، و(71) هفتاد ویک کلمه ، و(314) سه صدوچهارده حرف ، و(137) یکصدو سی هفت نقطه است .

مکی یا مدنی بودن آیات:

با توجه به اینکه برخی روایات به مکی بودن این سوره و برخی دیگر به مدنی بودن آن اشاره دارند سیاق آیت این سوره نیز نشانگر مکی یا مدنی بودن آن نیست فلذا نمی توان در مورد مکی یا مدنی بودن آن به آسانی حکم صادر نمود .

در بدوسوره بعد از ذکر سه قسم مردم را به دو گروه تقسیم می کند : انفاق کنندگان با تقوا، وبخیلانی که منکر پاداش قیامتند .

پایان کار گروه اول را خوشبختی و سهولت و آرامش ، وپایان کار گروه دوم را سختی و بدبختی می شمرد .

در بخش دیگری از این سوره بعد از اشاره به این معنی که هدایت بندگان برخداست ، همگان را از آتش فروزان دوزخ انذار می کند. ودر آخرین بخش کسانی را که در این آتش می سوزند و گروهی را که از آن نجات می یابند با ذکر اوصاف معرفی می کند.

ترجمه مختصر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (1)» سوگند به شب چون پرده افکند،

«وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (2)» سوگند به روز ، چون جلوه گری آغازد، پرده بر افکند،

«وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى (3)» «و سوگند به آن که نر و ماده» یعنی: دو جنس مذکر و مؤنث از بنی آدم و غیر آنان «را آفرید».

«إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى (4)» بی گمان که تلاش های شماست گونه گونه،

«فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى (5)» پس اما آنکه عطا کرد و تقوی کرد،

سوره لیل

« وَ صَدَقَ بِالْحُسْنَى » (6) و نیکوتر را تصدیق نماید،
« فَسُنِّيْسِرُهُ لِّلْيَسْرِى » (7) پس بزودى آسانش سازيم به آسان راه
« وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى » (8) اما آن که بخل ورزد و خود را بی نیاز ببیند،
« وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى » (9) و وعده نیک را دروغ انگاشت» یعنی: این وعده را که
خداوند متعال در عوض انفاقش به او در آخرت پاداش نیکوتری می‌بخشد، یا اسلام، یا
بهشت را دروغ انگاشت؛

« فَسُنِّيْسِرُهُ لِّلْعُسْرِى » (10) پس بزودى آسانش سازيم به دشوار گاه
« وَ مَا يَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى » (11) و چون هلاک شد دارایی او به کارش
نمی آید.

« إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى » (12) بی گمان که بر ماست رهنمایی.
« وَ إِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولَى » (13) و بدون شک که از آن ماست پایان و آغاز،
« فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى » (14) و شما را به آتشی شعله ور هشدار دادم.
« لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى » (15) نمی در آید در آن مگر بدبخت ترین.
« جز شقاوت پیشه‌ترین مردم در آن» به طور جاودان «در نیاید» و او کافر است که
جاودان در شعله‌های سرکش آن می‌سوزد، مانند ابوجهل و امیه بن خلف.
ابن‌کثیر در تفسیر این آیه می‌فرماید: «در دوزخ جز کسی که شقاوت پیشه‌ترین است
به‌درآمدنی که از تمام جوانب بر وی احاطه کند، در نیاید».
در حدیث شریف به روایت احمد از ابوهریره (رض) آمده است که رسول الله صلی الله
علیه وسلم فرمودند: «لا يدخل النار إلا الشقى، قيل: و من الشقى؟ قال: الذى لا يعمل بطاعة
ولا يترك لله معصية» (در دوزخ داخل نمی‌شود جز شقیی. کسی پرسید: شقی کیست؟
فرمودند: کسی که به طاعتی عمل نمی‌کند و هیچ معصیتی را برای رضای خدا فرو
نمی‌گذارد».

گفتنی است که هر يك از «اتقى» و «اشقى» دو قسم را شامل می‌شود.
پس اتقى هم شامل مؤمن نیکوکردار پاک رفتاری می‌شود که از همه زشتی‌ها دوری
گزیده است و هم شامل مؤمنی که گاه و بی‌گاه مرتکب گناهی می‌شود و سپس توبه کرده و
پشیمان می‌گردد لذا پاداش هر دوی آنها بهشت است.

اشقى نیز: هم شامل کافری می‌شود که منکر خدای عزوجل و پیامبران و کتابهای وی
است و هم شامل مسلمانی که در دلش به خداوند متعال و رسول وی ایمان دارد ولی بر
برخی از گناهان و بدیها پای فشرده و از آنها توبه نمی‌کند که این خود، دلیل کمی باور و
تصدیق وی است، به دلیل حدیث شریف رسول الله صلی الله علیه وسلم: «زناکار در
هنگام زنا، مرتکب زنا نمی‌شود در حالی که مؤمن باشد و سارق در هنگام دزدی، سرقت
نمی‌کند در حالی که مؤمن باشد».

باید دانست که گروه اول از قسم دوم جاودانه در دوزخ اند اما گروه دوم از قسم دوم
مدتی را بر حسب مشیت الهی در دوزخ می‌مانند اما سرانجام به بهشت برده می‌شوند.

سوره لیل

سپس حق تعالی شقاوت پیشه ترین مردم را چنین معرفی می‌کند:
«الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى» (16) آنکه تکذیب کرد و رو برتافت،
«وَسَيَجْزِيَنَّهَا أَلْتَقَى» (17) و حتماً کنار گذاشته شود از آن، پرهیز گارترین ،
«الَّذِي يُوْتِي مَالَهُ يَتْرَكِي» (18) آنکه مالش را میدهد، پاکیزگی کنان ،
«وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى» (19) و هیچ کس را به قصد پاداش ، نعمت
نمی بخشد،

«إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى» (20) مگر جستن رضای پروردگار برترش،
«وَأَسْوَفَ يَرْضَى» (21) «و قطعاً بهزودی خشنود می‌شود» یعنی: سوگند به ذات
ذوالجلالم که این شخص با آنچه که به وی از کرامت و پاداش عظیم می‌دهم، بهزودی
خشنود خواهد شد.

وجه تسمیه:

این سوره بدان جهت « لیل » نامیده شد که با سوگند الهی به شب - که با تاریکی خود
پوشاننده جهان است، افتتاح شده است.

اسباب نزول :

تعداد کثیری از مفسران در شأنزول این سوره از ابن عباس (رض) نقل فرموده اند که:
« مردی در میان مسلمانان بود که شاخه یکی از درختان خرما ی او بالای
خانه مرد فقیر عیال مندی قرار گرفته بود، صاحب نخل هنگامی که بالای درخت می
رفت تا خرماها را بچیند، گاهی چند دانه خرما در خانه مرد فقیر می افتاد، و کودکانش
آن را برمی داشتند، آن مرد از درخت نخل پایان می شد و خرما را از دست این اطفال
می گرفت.

مرد فقیر به پیامبر صلی الله علیه وسلم شکایت آورد.

پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود: برویم تا این مساله را حل کنیم، پیامبر صلی الله علیه
وسلم در نزد مالک نخل رفت و برایش گفت: این درختی که شاخه هایش بالای خانه
فلان کس آمده است به من می دهی تا در مقابل آن نخلی در بهشت از آن تو باشد!
مرد گفت: من درختان نخل بسیاری دارم، و خرما ی هیچ کدام به خوبی این درخت
نیست و حاضر به چنین معامله ای نیستم.

یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم این سخن را شنید، عرض کرد: ای رسول
الله ! اگر من بروم و این درخت را از این مرد خریداری و واگذار کنم، شما همان
چیزی را که به او می دادید به من عطا خواهی کرد؟
فرمود: بلی .

آن مرد رفت و صاحب نخل را دید و با او گفتگو کرد، صاحب نخل گفت: آیامی دانی
که محمد حاضر شد درخت نخلی در بهشت در مقابل این به من بدهد و من نپذیرفتم.
خریدار گفت: آیا می خواهی آن را بفروشی یا نه؟
گفت: نمی فروشم مگر آن که مبلغی را که گمان نمی کنم کسی بدهد به من بدهی.

گفت: چه مبلغ؟

گفت: چهل نخل.

خریدار تعجب کرد و گفت:

عجب قیمت سنگینی و گرانبهای برای درخت خرما می که کج شده مطالبه می کنی. چهل درخت خرما! سپس بعد از کمی سکوت گفت: بسیار خوب، چهل نخل به تو می دهم. فروشنده (طمعکار) گفت: اگر راست می گوئی چند نفر را به عنوان شهود بطلب! اتفاقاً گروهی از آنجا می گذشتند آنها را صدا زد، و بر این معامله شاهد گرفت. سپس خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و عرض کرد ای رسول الله! نخل به ملك من درآمد و تقدیم (محضر مبارکتان) می کنم. رسول الله صلی الله علیه وسلم، به سراغ خانواده فقیر رفت و به صاحب خانه گفت: این نخل از آن تو و فرزندان توست. اینجاست که سوره «لیل» نازل شد - وگفتنی های را درباره بخیلان و سخاوتمندان گفت.

محتوا آیات :

این سوره اشاره و تذکر به اختلاف انسانها در شیوه ی زندگی داشته و آثار هر یک از این شیوه ها را در زندگی اخروی بیان می کند. مثلاً می فرماید: هر کس که از الله تعالی بترسد و وعده های نیک خداوند را تصدیق کند خدا (ج) نیز در عوض حیاتی جاودانه و سعادت ابدی نصیبش می کند و هر که بخل بورزد و در صدق بی نیازی و اشباع خواسته های منفی درونی خود باشد (= غنا طلب باشد) و وعده های نیک الهی را تکذیب کند، خداوند او را دچار سوء عاقبت نموده و آخرت نیز مالش هیچ سودی برایش نخواهد داشت.

موضوعات تاریخی :

در این سوره به موضوع تاریخی مهمی اشاره و ذکر بعمل نیامده و تنها، از ماجرای شخصی بخیل که با وجود ثروت فراوان از کمک به فقرا جلوگیری می نموده، نقل شده است. شخص مذکور موقع چیدن خرما حاضر نمی شده حتی دانه هایی که به زمین می افتد، آنرا به فقیران ببخشد و اگر اشتباهاً دانه ای از دستش رها شده و کودکی فقیر آنرا به دهان می گذاشته از درخت نخل پایین آمده و آن دانه را از دهان کودک خارج می نموده است!

در این سوره به این شخص و اشخاص بخیل هشدار داده شده است که به زودی سختی و شدت را خواهند دید و در آن روز هیچ راه فراری ندارند.

محتوا کلی سوره لیل:

آیات این سوره درباره روز قیامت و پاداش و کیفر الهی و عوامل و اسباب آن بحث می نماید.

در آغاز بعد از ذکر سه سوگند مردم را به دو گروه تقسیم می کند : انفاق کنندگان با تقوا، و بخیلانی که منکر پاداش قیامتند.

پایان کار گروه اول را خوشبختی و سهولت و آرامش، و پایان کار گروه دوم را سختی و

سوره لیل

بدبختی می شمرد.

در بخش دیگری از این سوره بعد از اشاره به این معنی که هدایت بندگان بر خداست ، همگان را از آتش فروزان دوزخ انذار می کند. و در آخرین بخش کسانی را که در این آتش می سوزند و گروهی را که از آن نجات می یابند با ذکر اوصاف معرفی می کند.

تفسیر سوره:

« وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ »

(قسم به شب وقتی که روز را می پوشاند، شبی که (روی زمین را فرا می گیرد، و همه اشیاء را با تاریکی خود) می پوشاند، شبی که (همه انسانان و جانداران را به استراحت و سکون می کشاند)! « یَغْشَىٰ »: فرا می گیرد و می پوشاند.

« وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ »

(و قسم به روز وقتی که ظاهر می گردد، روزیکه نور آن ظلمت شب را می راند و همه انسانان و جانداران بار دیگر به فعالیت و تلاش می اندازد .! « تَجَلَّىٰ » : روشن و آشکار گردید . جلوه گر آمد.

« وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ »

و قسم به آن کسی که جنس نر و ماده را خلق کرده . پروردگار با عظمت ما در آیات متذکره می فرماید : قسم به شب وقتی که روز را می پوشاند و یا قرص آفتاب را فرامی گیرد و قسم به روز هنگامی که ظهور و تجلی می یابد و همه پنهانها را آشکار می سازد و به آن امر عظیم و اعجاب انگیزی که دو جنس نر و ماده را از یک نوع واحد آفرید، بعضی مفسران (ما) را مصدریه گرفته اند که در این صورت معنا چنین خواهد بود که : قسم به خلقت نر و ماده . سپس در جواب این سوگندها می فرماید: « الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ » : هدف از آن جنس مرد وزن در همه مخلوقات عام از انسانها و حیوانات ، حشرات و گیاهان و همه اشیاء است .

« إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ »

هماناسعی و تلاش شما منفرق و گوناگون است (و لذا جزا و سزای شما هم متفاوت و مختلف خواهد بود) .

ابن کثیر می گوید: چون قسم به اشیای متضاده بود پس مقسم علیه یعنی جواب قسم نیز متضاد است، از این جهت فرمود: «که همانا کوشش شما پراکنده است» یعنی: عمل شما نیز مختلف و متضاد است؛ برخی از آن خیر و برخی از آن شر است، برخی از آن برای بهشت و برخی از آن برای دوزخ است، کسی در نجات نفس خود سعی و تلاش دارد و کسی هم در نابودی آن.

« شَتَّىٰ »: جمع شَتِّیت ، پراکنده . مراد مختلف و متفاوت و از هم جدا است . دسته ای

نیکوکار و پرهیزگار ، و گروهی بدکردار و ناپرهیزگار ، بعضی مؤمن و صادق ، و برخی کافر و فاسق ، و تلاشهایی برای درم و شکم و لذائذ نفسانی ، و تلاشهایی در راه خدمت به مردمان و رضای یزدان و اجرای اوامر ربّانی این آیه بیانگر دو خط سیر متمایز و جهت گیری متفاوت است و جواب قسم است .

برخی از مفسرین در تفسیر آیه «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ» مینویسند که : انسان بطور طبیعی

سوره لیل

برای انجام کاری به سعی و کوشش ، عادت کرده است ، ولی بعضی از مردم در سعی و کوشش ، به فکر راحت دائمی هستند ، و بعضی دیگر با این سعی و کوشش ، عذاب دائمی را می خزند ، چنان که در حدیثی آمده است که : هر کس به هنگام صبح وقتی بر می خیزد ، به یک نوع معامله ای مشغول می شود ، بعضی در آن معامله ، پیروز شده خود را از عذاب آخرت رها می سازد ، بعضی دیگر به گونه ای می باشد که زحمت و کوشش او سبب هلاکت او قرار می گیرد ، کار خردمندی این است که نخست مردم سر انجام کار خود را در نظر بگیرد ، هر آن عملی که موقتاً موجب راحت و آرامش است ، اما سر انجامش باعث رنج و عذاب همیشگی است ، انسان باید از آن بر حذر باشد ، و گرد آن نگردد.

«فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى»

اما آنکه انفاق کند و پرهیزکار باشد، یعنی کسی که (در راه الله دارائی خود را) بذل و بخشش کند ، و پرهیزگاری پیشه سازد (و از آفریدگار خویش بهراسد) .
«أَعْطَى» : صرف کرد و داد . خرج و پخش کرد . «إِتَّقَى» : از الله ترسید . تقوا و پرهیزگاری پیشه کرد .

«وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى»

و به پاداش خوب (خدا در این سرا ، و خوبتر خدا در آن سرا) ایمان و باور داشته باشد «الْحُسْنَى» : پاداش خوب خدا که در این جهان بهره مؤمنان می گردد و پاداش بهتر خدا که در آن جهان نصیب مسلمانان می شود خیر مطلقى که خدا آن را خیر می داند . یعنی آن کسی که بذل و بخشش می کند و پرهیزگاری پیشه می سازد و به خوب و خوبی ایمان دارد ، و در يك كلام ، حسنات و سیئات و فضیلت و رذیلت را همسان نمی شمارد ، وبالطبع به پاداش نیکوها و بدیها معتقد است . (الْحُسْنَى) می تواند صفت مشبّهه، یا صفت تفضیلی باشد.

«فَسُنِّيْهِمْ لِئِسْرَى»

بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت ، موانع و مشکلات را برای او آسان می سازیم و در کار خیر توفیقش می دهیم و او را آماده رفاه و آسایش می نمائیم.
«نُيَسِّرُهُ» : او را مهیا و آماده می سازیم.
«الْإِسْرَى» : رفاه و آسایش، ساده و آسان آیه «فَسُنِّيْهِمْ لِئِسْرَى» متضمّن دو معنی است:

اول: او را آماده برای زندگی خوش و آسوده آخرت می سازیم . (مراجعه فرماید آیه 97 سوره نحل)

دوم: او را آماده انجام کارهای ساده و آسانی می سازیم که پیشتر برای او مشکل و دشوار بود.

یعنی در پرتو گام نهادن به راه الله مشکلات را برایش ساده و در انجام آنها توفیقش می دهیم (مراجعه شود به : آیه 16 سوره مائده ، و آیه 69 سوره عنکبوت) .
اصولاً ایمان به معاد و پاداش عظیم الهی ، مشکلات را در نظر انسان سهل و آسان

سوره لیل

جلوه‌گر می‌سازد و نه تنها مال ، بلکه جان خود را در طبق اخلاص می‌گذارد و از این ایثارگری لذت می‌برد .

این آیه به این نکته بسیار مهم اشاره دارد که خداوند بندگانی را که از سر اخلاص در مسیر اطاعت و بندگی و تقوی و انفاق حرکت کنند یاری و توفیق می‌رساند و حرکت آنها را در این مسیر آسان می‌سازد.

حقیقت این است که اعمال صالح – مانند انفاق – در ابتدا برای انسان دشوار است؛ ولی با تکرار و ادامه کار چنان بر فرد آسان می‌شود که از آن لذت می‌برد و ترک آن برایش دشوار می‌گردد.

به طور کلی و خلاصه باید بعرض رسانیده شود که : اعتقاد به معاد و پاداش های عظیم الهی تحمل انواع مشکلات برای انسان چنان آسان می‌کند که نه تنها مال که جان خود را در طبق اخلاص می‌گذارد و به عشق شهادت در میدان جهاد شرکت می‌کند و از این ایثار خود لذت هم می‌برد.

برخی از مفسرین در تفسیر این آیه « فَسْتُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى » می‌نویسند:

«به زودی راهش را به‌سوی شر و دشواری هموار کنیم» یعنی: او را برای

خصلت دشواری آماده کرده و راه آن را بر رویش هموار می‌کنیم، به این ترتیب که اسباب خیر و صلاح بر او دشوار شده و از انجام دادن آنها سست و ناتوان می‌گردد و خود این امر، او را به دوزخ که سرای دشواری است، می‌کشاند. در حدیث شریف به روایت بخاری و مسلم از علی بن ابی‌طالب! آمده است که گفت: بارسول خدا ص در تشییع جنازه‌ای حضور داشتیم پس فرمودند: «هیچ کس از شما نیست مگر این که قطعاً جایگاهش از بهشت و جایگاهش از دوزخ نوشته شده است. اصحاب گفتند: یا رسول‌الله! «حالا که همه چیز نوشته شده است» آیا ما بر آن تکیه نکنیم (و از عمل دست نکشیم)؟ فرمودند: خیر! عمل کنید زیرا هرکس برای همان چیزی آماده ساخته شده که برای آن آفریده شده است پس هر کس از اهل سعادت باشد، برای عمل اهل سعادت آماده ساخته می‌شود و هر کس از اهل شقاوت باشد، برای عمل اهل شقاوت آماده ساخته می‌شود».

سپس این آیات را تلاوت نمودند: « فَسْتُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى ».

ابن عباس در بیان سبب نزول می‌گوید: این آیات درباره امیه بن خلف نازل شد.

«وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى»

و اما کسی که بخل بورزد ، و خواستار ثروت و بی نیازی باشد ، و تنگ‌چشمی بکند و بخیل باشد ، (و به بذل و بخشش دارائی در راه الله دست نیازد) و خود را بی‌نیاز (از خدا و توفیق و پاداش دنیوی و اخروی الهی) بداند.

« اِسْتَعْنَى »: خود را بی‌نیاز دانست . مراد بی‌نیاز از خدا ، و مدد و یاری دنیوی ، و اجر و پاداش اخروی یزدان جهان است (

« وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى »

و پاداش نیک روز جزا را تکذیب کند و به پاداش خوب (الله را در این سرا ، و خوبتر خدا در آن سرا) ایمان و باور نداشته باشد.

« فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى »

اعمال نیک را در نظرش سنگین و دشوار می سازیم ، او را آماده برای سختی و مشقت (و زندگی بس مشکل و ناگوار دوزخ) می سازیم .

« الْعُسْرَى » : سختی و مشقت . شدت و محنت . خواری ناشی از عدم توفیق در اعمال صالحه . عذاب دوزخ .

« وَمَا يَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى »

در لحظاتی که (به گور) گذاشته می شود ، ثروت و درای اش چه سودی به حال او می رساند .

در این آیت با تمام صراحت بیان می دارد ، زمانیکه انسان وفات نماید ، ثروت و داری اش برای سود بیار نمی آورد ، در مقابله با فرد مذکور در آیات قبلی ، اینجا به توصیف شخصی می پردازد که از انفاق بخل می ورزد و در طلب مال اندوزی و کسب ثروت می باشد و وعده نیکویی را که خداوند به شخص منفق داده است ، تکذیب می کند و لازمه چنین تکذیبی ، تکذیب اصل معاد و قیامت است ، می فرماید: شخصی که چنین باشد، ما به او توفیق انجام اعمال صالح را نمی دهیم ، و این اعمال را در نظرش سخت و دشوار می سازیم تا او با انجام ندادن آن اعمال آماده عذاب شود، و چنین کسی وقتی که در حفره قبر و یا در جهنم وورطه هلاکت سقوط می کند مالش چه دردی از او دوا می کند و چه سودی برایش دارد؟ این معنا در صورتی است که (ما) استفهامی باشد، اما اگر (ما) نافی باشد، معنا این است که چنین کسی در وقتی که به ورطه هلاکت می افتد مالش به درش نمی خورد.

« إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى »

مسئلاً نشان دادن (راه هدایت و ضلالت به مردم) بر عهده ما است .

« عَلَيْنَا » : بر ما است . « الْهُدَى » : رهنمود . راهنمائی . ارائه طریق .

« وَإِنَّا لَنَّا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى »

و همانا دنیا و آخرت متعلق به ماست « لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى » : آن جهان و این جهان . مقدم شدن آخرت بر دنیا ، به خاطر اهمیت فراوان و مقصود اصلی بودن آن است .

« فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى »

من شما را از آتش هولناکی بیم می دهیم که شعله ور می شود و زبانه می کشد .

« فَأَنْذَرْتُكُمْ » : فاعل پیامبر اسلام است که خطاب به کفار مکه صحبت می فرماید .

« تَلَظَّى » : شعله ور می شود . زبانه می کشد . فعل مضارع است و در اصل (تَلَظَّى) است .

« لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى »

بدان داخل نمی شود و نمی سوزد مگر بدبخت ترین (انسانها) « الْأَشْقَى » : بدبخت ترین .

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى

همان کسانی که آیات و دعوت ما را تکذیب کرده و از آن روی گرداندند،

سوره لیل

« تَوَلَّيَا » : پشت کرد . رویگردان شد (تفصیل آن مطالعه شود در آیه 205 سوره بقره و آیه 82 سوره آل عمران و آیه 29 سوره نجم)

« وَسَيَجْزِيهَا الْأَتَقَى »

و بزودی افرادی که با تقواترند از آن آتش هولناک دور می شوند ، یعنی شخص که « اتقی » عادت به طاعت کامل حق باشد ، و مال خود را در راه خداوند ، بدین خاطر صرف می کند که از گناهان پاک باشد ، چنین شخصی از آتش اهل جهنم ، دور نگه داشته می شود ، اگرچه الفاظ این آیه کریمه عام و شامل هر کسی می باشد که مال خود را در راه خدا انفاق کند ، ولی از شان نزول آیه طوری معلوم می گردد که در اصل ، مراد از این لفظ « اتقی » حضرت ابو بکر صدیق (رض) است.

ابن ابی حاتم از عروه روایت کرده است که هفت از مسلمانان چنان بودند که مشرکین مکه آنها را برده و غلام خود قرار داده بودند ، وقتی که آنها مسلمان شدند ، به گونه های مختلفی تحت شکنجه و آزار قرار گرفتند ، حضرت ابو بکر صدیق با صرف نمودن اموال خویش ، آنها را از کفار خرید و آزاد کرد ، و بر این آیه نازل گردید . (مظهری) و مناسب به آن آخرین جمله آیه چنین است : « وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى » یعنی بردگانی که حضرت صدیق اکبر با صرف پول زیاد آنها را خرید و آزاد نمود ، احسان قلبی بر ذمه ی او نداشته که او در پاداش آن چنین اقدامی را کرده باشد ، بلکه « إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى » مقصود او غیر از رضای خداوند متعال چیزی دیگری نبود . در مستدرک حاکم از حضرت زبیر منقول است که حضرت ابوبکر صدیق عادت داشت که هر گاه مسلمانی را در دست کفار اسیر می دید ، او را می خرید و آزاد می کرد . و این افراد عموماً از مردمان مستضعف بودند ، والد حضرت ابو بکر صدیق ابو قحافه به او فرمود : وقتی تو این بردگان را آزاد می کنی ، این طور بکن که چنان برده های را آزاد کن که قوی و بهادر باشد ، تا که آنها فراد در مقابل دشمنان تو ، به درد تو بخورند ، و بتوانند ، از تو حفاظت کنند ، حضرت ابو بکر صدیق فرمود : مقصودم از آزاد کردن آنها استفاده نیست ، بلکه فقط خواهان رضای خداوند می باشم . (مظهری)

« الْأَتْقِيَا » : پرهیزگارترین .

« الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى »

آن کسی که مال و دارائی خود را (در راه الله خرج می کند و) می دهد تا خویشتن را (به وسیله این کار ، از کثافت بخل) پاکیزه بدارد .

« يَتَزَكَّى » : خود را پاک می دارد و پاکیزه می کند ، حال یا بدل از فاعل است .

« وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى »

هیچ کسی بر او حق نعمتی ندارد تا (بدین وسیله به نعمتش پجواب گوید و از سوی او آن) نعمت جزا داده شود . « تُجْزَى » : نعمت جزا داده شود ، سپاس گفته شود .

« إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى »

بلکه تنها هدف او جلب رضای ذات پروردگار بزرگوارش می باشد .

« ابْتِغَاءً » : خواستار شدن . طلبیدن . « وَجْهِ » : ذات (مراجعه شود به سوره : انعام /

52 ، سوره کهف / 28 ، و سوره قصص / 88) .

« ولسوف یرضی »

قطعاً (چنین شخصی ، از کارهایی که کرده است) راضی خواهد بود و (از پادشاهانی که از پروردگار خود دریافت می‌دارد) خوشنود خواهد شد .
« ولسوف یرضیا » : راضی خواهد بود . راضی خواهد شد ، یعنی کسی که مال خود را صرف نمود و رضای الهی را در نظر گرفت ، استفاده شخصی مورد نظرش نبود ، خداوند او را در روز قیامت از خود نیز راضی می‌گرداند . و او را به نعمت های عجیب و دایم در بهشت نایل می‌گرداند .

انفاق

علماء در تعریف انفاق می‌فرمایند:

یکی از وظایف مهم افراد در یک مجتمع اسلامی، کمک و دستگیری از نیازمندان ، مساکین و فقرا است ، هر کس به اندازه امکانات و توانمندی خویش وظیفه و مسولیت دارد که خلاء های موجود در زندگانی افراد را جبران و کمبودهای آنان را پاسخگو باشد . همان‌گونه که خداوند نیازمند و فقیر را با فقر و نداری امتحان می‌کند، ثروتمندان را نیز این گونه می‌آزماید .

کمک به افراد نیازمند ، فقیر و بی بضاعت اگر همراه با خلوص نیت و به خاطر رضای پروردگار صورت گرفته باشد ، دارای تأثیرات بی‌شماری است . برخی از آثار آن انرا انسان در همین جهان مشاهده کرده می‌تواند و برخی دیگری از این آثار در جهان دیگر ، به عنوان پاداش های اخروی ، برایش ظاهر می‌گردد . در تعداد کثیری از احادیثی نبوی و روایات اسلامی به برخی از این آثار اشاره شده است؛ از جمله پیشگیری حوادث و مرگ‌های ناگهانی و دور شدن بلاها و گرفتاری ها .

انفاق در قرآن

در قرآن کریم درباره انفاق سفارشات بسیاری شده است و در راه این انفاق نیز رعایت اخلاص بسیار سفارش شده است . در قرآن کریم آیه ای آمده است که هدف نهایی انفاق یعنی عدم دلبستگی به علاقه مندی ها را بیان می‌کند .
« لن تتالو البر حتی تنفقوا مما تحبون » (هرگز به مقام بر (نیکی) نمی رسید مگر از آنچه دوست دارید انفاق کنید) آیه انفاق: آیه 274 سوره بقره به ستایش کسانی پرداخته که در شب و روز و نهان و آشکار انفاق می‌کنند و برخی آن را «آیه انفاق» گفته اند «الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سرا وعلانیه فلهم اجرهم عند ربهم ولاخوف علیهم و لاهم یحزنون» کسانی که ثروت و درایی های خویش را در شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.»

به گفته برخی از مفسران، انفاق کنندگان باید در انفاق خود هنگام روز یا شب، پنهان یا آشکار، جهات اخلاقی و اجتماعی را در نظر بگیرند . از آن جا که دلیلی برای اظهار انفاق به نیازمندان نیست، آن را پنهان سازند تا هم آبروی آنان حفظ شود و هم خلوص

بیشتری در آن باشد و از آن جا که مصالح دیگری مانند تعظیم شعایر و تشویق دیگران در کار است و انفاق، جنبه شخصی ندارد، تا موجب احترام کسی شود (مانند انفاق برای جهاد و امور خیریه و امثال آن) و با اخلاص نیز منافات ندارد، آشکارا انفاق کند.

اخلاص و ریا در انفاق

از آیات قرآن استفاده می شود که اخلاص دارای درجات مختلفی است، و فضل و بخشش حق تعالی به هر شخصی به اندازه اخلاص اوست، سنگینی و سبکی ترازوی اعمال در آخرت به درجه اخلاص بستگی دارد. در سوره بقره وضعیت کسانی که اموالشان را در راه رضای خدا انفاق می کنند، به باغی تشبیه نموده که در زمین نیکو باشد و بارانی بسیار بر آن ببارد و ثمرش را دو برابر ثمر دهد و یا دست کم بارانی اندک بر آن ببارد. بنابراین، همچنان که زمین نیکو همیشه ثمری نیکو می دهد، عمل صالح خالص نیز پیوسته نتیجه ای نیکو دارد و عنایت الهی شامل آن می شود؛ چراکه خداوند بر اعمال انسان بینا است و از میزان اخلاص اعمال او آگاه است. «و الله بما تعملون بصیر» قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَدَىٰ وَ اللّٰهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (بقره 263)

ترجمه: (گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است، و خداوند، بی نیاز و بردبار است. این آیه در حقیقت تکمیلی است نسبت به آیه قبل، در زمینه ترک منت و آزار به هنگام انفاق، می فرماید: گفتار پسندیده (در برابر ارباب حاجت) و عفو و گذشت (از خشونت‌های آنان) از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد بهتر است.

این را نیز بدانید که آنچه در راه خدا انفاق می کنید در واقع برای نجات خوشتن ذخیره مینمایید، و خداوند (از آن) بی نیاز و (در برابر خشونت و ناسپاسی شما) بردبار است.

بخل:

بخل در لغت در مقابل اعطاء جود و بخشش است. اگر شخصی ثروت و دارای خویش را در جای مناسب و شایسته صرف کند، بحیث جواد و بخشنده شناخته می شود؛ اما اگر از صرف دارایی خویش در جای شایسته خودداری کند، بخل ورزیده است. (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، صفحه ۱۰۹، «بخل»)

کلمه بخل ۱۲ بار و در ۷ آیه (آل عمران، آیه ۱۸۰؛ نساء، آیه ۳۷؛ توبه، آیه ۷۶؛ محمد، آیات ۳۷ و ۳۸؛ حدید، آیه ۲۴؛ لیل، آیه ۸) به صورت های مصدری، فعل ماضی و فعل مضارع به کار رفته است.

در آیات 5 تا 8 سوره لیل، این کلمه در کلمه «اعطاء» قرار گرفته که به معنای بذل و بخشش است. بنابراین، کسی که اهل بذل و بخشش نیست، اهل بخل است.

بنابراین، در فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم قرآنی، بخل، مفهوم وسیع تری داشته و به مواردی مانند ترک کارهای خیر و جهاد و انفاق، احسان و مانند آن هم اطلاق شده است. به هر حال، بخل در فرهنگ قرآنی، دارای بار معنایی گسترده تر از معنای لغوی آن است. از این رو برخی بخل را ضد کرامت و بزرگواری دانسته و آن را به معنای منع و امساک گفته اند؛ چرا که انسان بخیل از دادن چیزی به دیگران امساک می کند و مانع از

بهره مندی دیگران از آن می شود.

آثار زیانبار بخل :

هر یک از مراتب بخل آثاری دارد، ولی شکی نیست که بخل به معنای مطلق امساک در انفاق مال، نشانه ای از کفران نعمت است؛ زیرا خداوند نعمت های زیادی را به انسان بخشیده تا با بهره مندی از آنها بتواند خود و دیگران را برای ابدیت بسازد. اگر انسان از عقل خویش بهره نبرد و در سفاهت و جهالت بماند و درحقیقت تعقل نورزد، کفران نعمت کرده است؛ زیرا خداوند عقل را داده تا انسان خدا و خود را بشناسد و حکمت و فلسفه زندگی خود را بیابد و به درستی در مسیر خدایی و ربانی شدن گام بردارد.

کسی که نعمت ها را انبار می کند و از آن به شایستگی استفاده نمی کند، کفران نعمت کرده است. گاه این بخل درباره خودش است و نعمتی را در اختیار دارد و به کار نمی برد و گاه نسبت به دیگری است و آن نعمت را نه تنها به دیگری نمی دهد بلکه دیگران را نیز به بخل ورزی فرمان می دهد و تشویق می کند. (نساء آیه ۳۷؛ المیزان، ج ۴، صفحه ۳۵۵) کسانی که نعمت های الهی را به شایستگی مورد استفاده قرار نمی دهند، درحقیقت منکر قیامت و رستاخیز و پاداش آن هستند. از این رو خداوند بخل را نشانه ای از بینش و نگرش نادرست افرادی می داند که قیامت و پاداش آن را منکر هستند. (لیل، آیات ۸ و ۹)

استفاده کردن از میوه باغ بیگانه:

قبل از همه باید گفت ، آنچه از درختان میوه که در سر راه عام بدون چهار دیوالی قرار دارند ، واز میوه آن استفاده بعمل آید ، از دید شرعی کدام ممانعت نداشته ، زیرا این درختان ملک عامه مسلمین است و ترک آن درختان بدون وجود محافظ ویا هم دیور ، دلیلی بر اجازه و اباحه خوردن میوه های آنهاست.

حتی پیامبر صلی الله علیه وسلم برای کسی که مثلاً از باغی عبور می کند اجازه دادند از میوه آن باغ و بستان بخورد ولی نباید فراموش کرد که جمع کردن میوه و بردن آن با خود ، اجازه نمی باشد ، البته

این اجازه نبوی در مورد باغ و بستانی بود که مالک دارد، با این وصف خوردن از میوه و ثمرات درختانی که جزو اموال عامه هستند به طریق اولاً جایز است.

ابن عمر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمود : « مَنْ دَخَلَ حَائِطًا فَلْيَأْكُلْ وَلَا يَتَّخِذْ حُبْنَةً » (ترمذی (1287) و ابن ماجه با این لفظ روایت کرده : « إِذَا مَرَّ أَحَدُكُمْ بِحَائِطٍ فَلْيَأْكُلْ وَلَا يَتَّخِذْ حُبْنَةً » ابن ماجه (2301) و صححه الألبانی فی صحیح الترمذی. یعنی: «هرکس وارد باغی شد می تواند از میوه آن بخورد ولی دامن خود را از آن پر نکند» و در لفظ دیگری چنین روایت شده : «هرگاه یکی از شما از باغی عبور کرد می تواند از میوه آن بخورد ولی آغوش خود را از آن پر نکند».

و در حدیث دیگری از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : «إِذَا أَتَيْتَ عَلَى رَاعٍ فَنَادِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِنْ أَجَابَكَ وَإِلَّا فَاشْرَبْ فِي غَيْرِ أَنْ

تُفْسِدَ، وَإِذَا أَتَيْتَ عَلَى حَائِطِ بُسْتَانٍ فَنَادِ صَاحِبَ الْبُسْتَانِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَإِنْ أَجَابَكَ وَإِلَّا فَكُلْ فِي أَنْ لَا تُفْسِدَ» ابن ماجه (2300) وصححه الألبانی فی صحیح ابن ماجه .
 یعنی : «هرگاه نزد (گله) چوپانی رسیدی سه بار (چوپان) را صدا بزنی، اگر پاسخ داد (که بهتر و از او اجازه بگیری) وگرنه می توانی بقدر نیاز شیر بنوشی بدون آنکه زیاده روی کنی، و هرگاه به باغی رسیدی صاحب بستان را سه بار صدا بزنی، اگر پاسخ داد (که بهتر و از او اجازه بگیری) وگرنه می توانی از میوه آن بخوری بدون آنکه زیاده روی کنی».

این احادیث دلالت می کنند که خوردن از میوه باغ دیگران جایز است، البته بشرطیکه ابتدا سه بار صاحب باغ را صدا کند (مثلا بگوید : ای صاحب این باغ) اگر پاسخ داد از او کسب اجازه کند، و اگر پاسخی نداد می تواند بقدر نیاز از میوه باغ او بخورد بدون آنکه بخواهد زیاده روی کند و مقداری هم با خود حمل کند و ببرد.
 امام ابن قدامه در کتاب (المغنی) (332/9) آورده : «امام احمد گفته : اگر (باغ) دیوارکشی نشده بود (یعنی اطراف باغ را با موانعی نگرفته بودند) در آنصورت اگر گرسنه بود از (میوه باغ) بخورد، و اگر گرسنه نبود پس چیزی از آن نخورد. و گفته : چندین تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین کردند، اما اگر بر اطراف (باغ) دیوار کشیده شده بود، از آن مخور؛ زیرا این دیوار مثل حریم (برای آن باغ) است (و دلالت بر عدم اجازه مالک باغ دارد) .. و از ابوزینب تیمی رایت شده که گفت : با انس بن مالک و عبدالرحمن بن سمره و ابوبرده (از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم) مسافرت کردم و آنها از بستان و باغ عبور می کردند و از آن می خوردند. و این قول عمر و ابن عباس و ابوبرده نیز هست. عمر گفته : بخور ولی از آن نبرید. و باز از امام احمد روایت است که گفته : از میوه زیر درخت بخور، و اگر زیر درخت میوه ای نیافتاده بود پس نباید از میوه مردم بخوری، .. و سنگ و چوپ به میوه پرتاپ مکن، زیرا با اینکار خراب می شود (و این زیاده روی است)
 پس اگر (اطراف باغ) دیوارکشی شده بود، داخل شدن به آنجا جایز نیست؛ به دلیل این گفته ابن عباس رضی الله عنه : اگر بر گرد آن دیوار بود این حریم (باغ تلقی) می شود، پس از آن مخور، و اگر بر گرد آن دیوار نبود، ایرادی ندارد (از میوه آن بخوری).
 وانگهی؛ دیوارکشی باغ دلالت می کند که مالک آن بخیل و تنگ نظر است و به (خوردن میوه های باغش) اجازه نمی دهد».

اما شیخ ابن عثیمین می گوید : «مشروط (کردن جواز یا عدم جواز خوردن میوه) به وجود دیوار دور آن محل نظر است؛ زیرا الفاظ حدیث اینگونه است : (من دخل حائطاً) یعنی هرکس وارد حائطی شد، و حائط آنچیزی که دور چیزی را احاطه می کند، و بر این اساس فرقی بین نخلستانی که دور آن حائطی باشد با باغی که دور آن حائط نشده نیست، و آنچه از سنت روش می شود؛ شرط (تنها) اینست که علاوه بر خوردن چیزی باخود نبرد، و به درخت چیزی پرتاپ، بلکه با دستش میوه را بچیند، و یا اگر بر زمین افتاده (از آن بخرد). همچنین شرط شده که سه بار مالک (باغ) را صدا زند، اگر جواب

سوره لیل

دارد از او اجازه بگیرد، و اگر پاسخ ندارد از آن بخورد، این آنچیزی است که حدیث بر آن دلالت می‌کند، و امام احمد رحمه الله نیز بر همین رأی است. ولی جمهور معتقدند که اینکار جایز نیست و احادیث وارده را بر اوائل اسلام یا اوائل هجرت حمل نمودند آن زمانی که مردم فقیر و نیازمند بودند ولی در صورت نبود نیاز جایز نیست، ولی رأی صحیح آنست که این (حکم) عام است (چه فرد محتاج باشد یا نباشد) « الشرح الممتع » (339/6).

بطور خلاصه:

خوردن از میوه درختان که در کنار سرک ها ، جاده و راههای عمومی وبخصوص درختانی که صاحب مالکی ندارند جایز است، همچنین خوردن از میوه و ثمره باغ و بستانی که مالک دارد با رعایت شروط سابق جایز است.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست:

معلومات مؤجز
ترجمه مختصر
وجه تسمیه
شأن نزول
محتوا کلی سوره
محتوا آیات

موضوعات تاریخی

محتوای کلی سوره لیل
تفسیر سوره
انفاق
انفاق در قرآن
اخلاص و ریا در انفاق
بخل
استفاده کردن از میوه باغ بیگانه

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی)
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری